



آیت الله مشکینی

# خدمت

## تربیت در کلاس داخلی

بنحو اجبار در باره او دخالت کنند، چندان مؤثر و قابل استفاده نخواهد بود، لکن این معلم منحصر بفرد را معلمانی بی شمار دیگر هستند که اغلب آنها از نیکوترین و برارچترین دانشمندان جهان محسوب می شوند. آری! معلم و مربی روان انسانی، خود انسان در شکل و قیافه عقل و خرد و تحت عنوان موجودی عاقل و مرید و مختار است و یکی از شگفتیهای قابل تأمل و دقت در انسان همین امر است که خود، آموزگار و شاگرد خود، معلم و تلمیذ و استاد و دانشجو است یعنی بدین عنوان که موجودی است دارای قوه عاقله و تمیز دهنده نیک و بد و مشخص حسن و قبح و دارای نیروی اراده و اختیار آموزگار و معلم، استاد و مربی است بویژه جهت کسب موجودی است دارای قوی و استعداد های مختلف و هوسها و کششهای گوناگون و در مسیر راههای متعدد و پربینج و خم و در معرض خطرات و فراز و نشیبهای مختلف، کودکی است نادان و شاگردی است مبتدی و دانش آموزی است قابل تربیت و ترقی و تکامل و با سقوط و انحراف تا مرتبش چه فکری کند و وجهه اراده او چه باشد؟

و اما معلمان و اساتیدی که تعلیم دهنده و تربیت کننده خرد انسان و قوه عاقله و معلم اول این کودک می باشند بسیارند که از آن جمله:

### خداوند، نخستین معلم

مرحله اول: خود خداوند منان است که پیوسته نیروی خرد انسان را بطرق مختلف تحت هدایت و تربیت قرار می دهد و با الهام و رهنمودها و توقیق و تائید، الطاف و مراحم خود را در ساراه وی مبدول می دارد.

"فاذکروا لله کما علمکم ما لم تکنوا تعلمون"

خدا را پیوسته بیاد آورید که شما انسانها آنچه را که نمی دانستید تعلیم فرمود. "علم الانسان ما لم يعلم" او خداوند کریم است که از فضای فکر انسانی ظلمات جهل و نادانی بزدود و

"قد افلح من زکاه و قد خاب من دها" (والشمس ۱۲)  
روان انسانی که بنام روح و نفس و قلب نیز نامیده می شود، همانند کودکی است دبستانی که بدست پدر عقل و معلم خسرود سپرده شده. این طفل خردسال بسی باهوش و خوش استعداد و قابل ترقی و تعالی است، مراحل نهائی درش قابل درک و توصیف نیست و بسا می شود که مقامش در ابعاد مربوطه تحصیلش از برخی انبیا نیز فراتر رود و در یک افقی مافوق تصور قرار گیرد. ابتدا تحصیل وی از بدو حالت تمیز است و تربیت اجباری اش از اول زمان بلوغ شروع می شود و تا آنگاه که دعوت کننده حق را اجابت گوید ایام تحصیل و تربیتش ادامه دارد.

مهمترین بخش برنامه تحصیلی او سه قسمت از علوم انسانی است که باید از الفبای آنها شروع کند و تا تا، تمت، همه ابواب و فصول این دروس را فراگیرد، قسمت اول: علوم اعتقادی و بخشی از باورهای درونی است که باید با استدلال و تحقیق بدانها برسند و به ماورد و حفظ کنند.

قسمت دوم: علوم اخلاقی و صفات روحی و فضائل روانی است که باید با بررسی کامل، آنچه از آنها در خویشتن بیابند توجه کند و تربیت نماید و رشد دهد و آنچه در خود نمی بیند به سراغش رود و بدست آورد.

قسمت سوم: بخش کردار است که باید برنامه صحیح آن را فرا گیرد و بکار بندد و توضیح هر یک از بخشها در مورد خود بتفصیل بیان شده است و بخشهای تحصیلی بی شماری هم در این میان هست که آنها در رتبه های بعدی باید طبق اقتضای زمان و مکان مسورد توجهش قرار گیرد.

معلم این کودک در ابتدا و بلاواسطه بکنفر بیشتر نیست که در همه ایام تحصیل باید خصوصاً او مواظبش باشد و غیر او احدی حق دخالت در کار تربیت و تکاملش ندارد و اگر احیاناً دیگران

## فرشتگان

رتبه دوم : فرشتگان و ماموران غیبی عالم تکوین اند که پیوسته بوسیله الهام درونی و هدایت‌های باطنی ، انسان را تعلیم می‌کنند و تربیت می‌دهند که شاید خود انسان از وجود و خدمات این معلمان مهربان و دلسوز و دائم‌الرفاقه خود بی‌اطلاع باشد .  
 " ان للقلب اذنين ، يفتح من احديهما الملك "

قلب و روان انسانی را دو گوش است که پیوسته از یکی از آنها که گوش راست او است ، فرشته‌های الهی با وی نجوی می‌کنند و در اوقات حساس زندگی و برسر دوراهیهای هر حرکتی که آینده سعادت و شقاوت بر آن مترتب است ، او را تذکر می‌دهند ، به کردار نیک راهنمون می‌شوند و تشویق می‌کنند و از عمل زشت زجر می‌نمایند و بر عواقب وخیم آن هشدار می‌دهند . این رفیقای نایب و اساتید بی‌مزد و بر مبر علی‌الدوام با وی هستند تا آنگاه که شقاوت وی بجائی برسد که تنبیه و تذکر و هشدار و بیم و تشویق در باره او بی‌نفع و بی‌اثر باشد .

## پیامبران

سومین گروه از معلمان وی که در دستگاه آفرینش و کسالات تعلیمات بشری ، اساتید رسمی الهی محسوب می‌گردند سلسله عظیم انبیا «ع» هستند که موظفند قافله بشری را هادی و اطفال دبستان جهان و دانشجویان دانشسرای این عالم را آموزگار و معلم و استاد باشند . آنان قبل از خود بشر باید به این کلاس وارد شوند و تا فردی از این موجود در صحنه گیتی قابل تربیت و اصلاح است باید باشند و تا حال چنین بود و الی الابد نیز چنین خواهد بود .  
 آن روزی که تنها دونفر در این فضای گره خاکی قدم نهادند خداوند بدانها و نسلهای آینده آنها - که در علم ازلی الهی با تمام جزئیات و حالات وجودی خود ثابت بودند - چنین فرمود :  
 " فاما ياتينكم مني هدى فمن تبع هداي فلا خوف عليهم "

ای آدم و ای حوا ! شما در این آب و خاک ، رشد و تکاثر پیدا می‌کنید و فرزندان بی‌شماری بمرحله وجود می‌آورید و لسی بهوش باشید که از طرف من برای همه شماها ، هادیان ، راهنمایان ، معلمان ، مهربان و مجسمه‌های هدایت و رهبری خواهد آمد .  
 " و يعلمكم عالم تكتونوا تعلمون " هان ای انسانها ! ایمن پیامبر ما است که به منظور تعلیم شما آمده و آنچه را که جاهلید شما می‌آموزد ، حال در اینکه وظیفه این معلمان بزرگ الهی تعلیم در چهره شنهائی است و در اینکه شاگردان کلاس جهان تا چه حدی توانستند از آنان فرا بگیرند و چه حدودی از مراحل انسانیت را پیمودند و یا چه مقداری از آنان بر سر کلاس حاضر شده و چه اندازه غایب بودند و اینک بسا می‌شود که برخی از این معلمان

و ژرفاندیشان الهی کسی را بر سر کلاس پیدا نمی‌کردند و یا از انبوه جمعیت محیط خود بیش از هفت و هشت نفر را پیدا نمی‌کردند مطلقاً است نیاز به مراجعه تاریخ دارد و از محل بحث ما بیرون است .

## کتابهای آسمانی

چهارمین گروه تعلیم کننده و مربی خرد و فکر بشری ، کتابهای آسمانی است که هر یک به نوبه خود و به تناسب زمان و محیط و جو و افکار و استعداد های وقت ، بهترین آموزگار و تربیت دهنده بوده است :

" و انزلنا معهم الكتاب ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه "

کتاب‌های آسمانی را برای جوامع انسانی بدان جهت فرود آوردیم که در مقام اختلاف و تردید و در همه موارد نیاز آنان ، حاکم باشد و آنها را به راه حق و هدف حق و تفکر حق و رفتار و گفتار حق راهنمون باشد .

## دانشمندان علوم دینی

گروه پنجم علماء الهی دانشمندان علوم دینی و کمالات و فضائل بشری می‌باشند که آنان پیوسته بهترین وسیله و قوی‌ترین واسطه و امن‌ترین طریق برای انتقال علوم انبیا به افکار انسانی و مهم‌ترین و دلسوزترین معلمان طایفه بشر بوده‌اند ، حقا که آنان در این راه ، مجدانه و مخلصانه و عاشقانه و رؤفانه قدم برداشته‌اند و همانند خود انبیا از هیچ تلاشی دریغ نورزیده‌اند و پیوسته در ادوار مختلف زمان و سیر تاریخی دوران که خود انبیا در میان بشر نبوده‌اند متکفل تمام شئون آنها بوده و بهترین نوع خلافت و جانشینی را در ابعاد مربوطه انجام داده‌اند . این گروه از میان جوامع بشری بتوفیق الهی ، خود جوش و بنحو انتخاب طبیعی اصلاح برگزیده شده و مشغول فعالیت بوده‌اند و سلسله آنان از اولین روز بعثت انبیا بروز کرده و تا حال منقرض نشده و بخواست خداوند تا جهان انسانیت باقی است باقی خواهند بود چه آنکه اینان بخواست خداوند بوده و وجودشان از لوازم الوجود شرابع آسمانی و بقای تکالیف بشری می‌باشد و دین الهی تا انسانی در جهان هست باقی خواهد بود .

## جهان هستی

گروه ششم خود جهان هستی است که آئینهای بس بزرگ و تمام نما و صاف و روشنگر و هدایت کننده و تعلیم دهنده انسانها است ، و حقا که هر ذره‌ای از اجزاء این جهان ، معلمی است دقیق و گوینده‌ای است عمیق ، حاکی از عظمت حق و کاشف از صفات و متکلم از کمالات او و نه فقط از وجود حق و توحید ذات او حکایت دارد بلکه در نزد اهل تامل و دقت نظر ، معلم توحید و رسالت و معاد و آموزگار صفات جلال و جمال خداوند است . این معلم سکوتش

سخن ، سکونش حرکت ، حرکتش گفتار و گفتارش بیان حقایق می شمار است .

"ان فی خلق السموات والارض و اختلاف الليل والنهار لآیات لا ولی الا للہ"

همانا در کیفیت آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز آنها و نشانه‌هایی برای صاحبان تعقل و ادراک است . نام این جهان در زبان قرآن و اهل بیت ، " کتاب تکوین " نیز گفته شده چنانچه " کتاب مبین " نیز اطلاق شده است " ولارطب ولا یابس الا فی کتاب مبین " - " ما فرطنا فی الكتاب من شیء " همه علوم و معارف در این کتاب نوشته شده و ما در این کتاب از درج هیچ حقیقتی فرو گزار نگردیم . در قرآن مجید راجع بمطالعه این کتاب و فراگرفتن دانشها و بینش‌های گوناگون ترغیب شده است ، درسی که این استاد برای بشر می دهد منحصر به درس توحید و معارف دینی نیست بلکه همه علوم متنوع روز را تدریس می کند . این استاد ، تاریخدان است و از فلسفه تاریخ نیز سخن می گوید . اوفیض یکدان و شمیمست و فلسفی و کیمیا شناس و طبیب و دکنتر در همه فنون است و انسانها را حال هر چه فراگرفتند ، از سفره گشوده انعام این استاد عظیم - انسان است .

## رویدادهای جهان

گروه هفتم : حوادث و وقایع عالم هستی است که بی‌پوشه بوده و هست و خواهد بود و بی تردید هر حادثه‌ای برای انسان عاقل کمالی است و هر رویداد تلخ و یا شیرین برای انسان کاسل عقلی است . حوادث مربوط بگذشتگان ، تاریخ است و دقت در اسباب وقوع و بی‌آمدها و نتایج آن ، توجه بفرسنگ تاریخ و در هر تاریخ علمی درسی و در هر حادثه‌ای تجربه‌ای و در هر تجربه‌ای علمی و در بی هر علمی تربیت و تکاملی است ، و انسان عاقل کسی است که از حوادث تلخ دیگران درس عبرت بیاموزد و نه آنکه دیگران از حوادث تلخ وی درس عبرت گیرند ، و انسان کامل انسانی است که سطور مختلف حوادث را بدقت بخواند و از مطالب مختلف آن نیکوهایش را بعنوان سرمشق انتخاب نماید " الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه " هر رویدادی در این صحنه ، گفتاری است و شما آنچه نیکو است فرا بگیرید و آنچه زشت است رها کنید . و در این موضوع سخنان بزرگان و روایات اهل بیت خاصه در کتاب عظیم نهج البلاغه ، دستوری بلیغ است که یکی از بهترین استادان انسان ، رویدادهای جهان است و هر انسانی از آن باید تجربه اندوزد و آگاهی تحصیل کند .

## محیط زندگی

گروه هشتم : محیط و جوی است که انسانی از روز اول تمیز و ادراکش خود را در میان آن می بیند و با افرادی مختلف و اشخاصی

گوناگون و روحمیات و اخلاق و آداب و رسوم و روشهای متعدد و بی شمار روبرو می شود که هر یک می تواند در افکار انسانی اثری بگذارد و او را بنحوی بسازد و بسکلی در آورد . این استاد گاهی بسیار خوب و یک سخن و یک فکر و نیکوروش و خوش آسوز است و گاهی بسیار بد و انحرافی و مختلف القول و بدآموز است . نام این استاد را گاهی زمان و عصر می گذارند و می گویند :

" اذا صلح الزمان صلح الفرد و اذا فسد الزمان فسد الفرد " صلح بودن این استاد در شاگردان محیطش اثری بسزادارد و فساد اونیز در فساد آنها . و سخن درباره تحقیق ماهیت این استاد و کیفیت تحصیل در کلاس درس او و در چگونگی اصلاح خود او بطوری که در تلامذه وی نیز اثری نیکو بگذارد از موضوع سخن ما بیرون است .

## معلمان و دبیران

گروه نهم : معلمان و دبیران و اساتید شخصی هر انسانی در کلاس تحصیلی وی از دبستان تا دانشگاه و از مکتب تا حوزه علمیه و از الفبا تا مقام شاخ استادی و تدریس . کیفیت تعلیم و اثرات تربیت اینان در افکار و اندیشه‌های محصل نیاز به بیان ندارد .

## پدران و مادران

و بالاخره گروه دهم پدران و مادران هر فردی از انسانها که اثری روشن در تعلیم ابتدائی و تربیت اعتقادی و اخلاقی و عملی فرزندان و شاگردان کلاس این جهان دارند . همه افراد و گروههای فوق معلمان عقل و خرد و افکار انسانند و چنانچه گفته شد انسان نیز بعنوان موجودی عاقل و دارای اراده و اختیار ، معلم روان خویش و مربی نفس و روح و جان خویش است و سخن در این بود که این طفل خیردینال و کودک قابل هرگونه تعلیم و تربیت را چگونه باید درس آموخت و تربیت نمود و تکامل بخشید تا آن باشد که خدا می خواهد و آن شود کما و گفته و آن گوید که او می خواهد و آن خواهد که او می گوید و آن کند که او دستور می دهد و آن دستور دهد که او می کند . آن هدفی که خداوند از خلقت نوع وی دارد همان باشد و آن رتبه‌ای که خدا را در آفرینش او در نظر است به آنجا برسد و آن راهی را که برای او تعیین نموده انتخاب کند و آن رفتار و گفتار و پنداری را که بدو آموخته است اختیار نماید .

عمده ، مطلب این است و همه حرفها در اینجا است و همه دشواریها در این راه است و همه آزمایشها در این مقام است و همه سعادت‌ها همین پیروزی در این گام و همه شقاوتها در گرو شکست در این مرحله است . باشد ما در آینده سخنی در این باره بگوئیم که خود گوینده را تلقین انسانیت شود و شنونده را قدمی در کمالات نفسانی پیش ببرد .

انه خیر موفق و معین .

ادامه دارد .